

## زبان عربی

\*\* عَيْنُ الْأَسْبَل لِلْجَوَاب فِي التَّرْجِمَة:

١- «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ!»:

(١) پس خداوند آرامش را بر پیامبر و بر مؤمنانش نازل کرد!

(٢) پس خدا بود که آرامشش بر پیامبر و بر مؤمنان نازل شد!

(٣) پس خداوند آرامش خود را بر پیامبر و بر مؤمنان فرو فرستاد!

(٤) خداوندمان، آرامش خود را بر رسول و بر مؤمنان، فرو می فرستاد!

٢- «أَحَبَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِعَبَادَةِ!»:

(١) محیوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است!

(٢) بندگانی از خداوند محیوب هستند که سودمندترین برای بندگانش باشند!

(٣) دوست‌داشتنتی‌ترین بندۀ خدا نزد خدا کسی است که به بندگانش سود برساند!

(٤) بندگان خدا کسی را دوست دارند که سودمندترین برای بندگانش باشند!

٣- «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ!»:

(١) برتر از خلق نیک چیز سنتگینی در ترازو وجود ندارد!

(٢) چیزی سنگین‌تر از اخلاق بهتر در ترازو دریافت نمی‌شود!

(٣) از خلق و خوی خوب، چیزی سنگین‌تر از خلق و خوی نیک نیست!

(٤) در ترازو، چیزی سنگین‌تر از خلق و خوی نیک نیست!

٤- «جَادِلُهُمْ بِأَتْقَى هِيَ أَحْسَنُ إِنْ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمِنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ!»:

(١) با آنان با روشی که بهتر است بحث کن، پروردگارت آگاه‌تر است به کسی که از راهش گمراه شده!

(٢) به شیوه‌ای که شایسته است با آنان مجادله کردي، پروردگارت به کسی که از راهش گم شده، دانا است!

(٣) با ایشان به راهی که بهتر است بحث کن، خداوند به کسی که از راه خود گمراه شده، آگاهی دارد!

(٤) به روشی که نیک‌تر است با آنان بحث کرد، زیرا پروردگار عالم‌تر است به کسی که از راه گم گشته!

٥- «رَبَّنَا آمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ!»:

(١) به پروردگارمان ایمان آوردند پس برایشان بخشید و رحم کرد، زیرا بهترین رحم‌کنندگان است!

(٢) پروردگار ایمان می‌آوردیم پس ما را بیامز و به ما رحم کن چرا که تویی از رحم‌کنندگان نیک!

(٣) پروردگار ایمان آوردیم پس ما را بیامز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی!

(٤) ای پروردگارمان از ایمان آورندگان هستیم پس برایمان بیامز و به ما رحم کن و تویی بهترین رحم‌کنندگان!

٦- عَيْنُ الْخَطَأ:

(١) لیلة القدر خير من ألف شهر: شب قدر از صدھا ماه خوب‌تر است!

(٢) شَرَّ النَّاسِ مِنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ: بدترین مردم کسی است که به امانتداری اعتقاد ندارد!

(٣) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلْكَ الْأَفَاضِلِ: هرگاه فرمایگان فرمانروا شوند، شایستگان هلاک می‌شوند!

(٤) وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى: و آخرت بهتر و پایدارتر است!

٧- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِينِ:

«ندرس مع أفضل الطالب في المكتبة و هو يرشدنا إلى أحسن الطُّرُق لتعلم العربية: با ..... دانشجویان در کتابخانه درس می‌خوانیم و او ما

را به ..... راهها برای آموختن عربی هدایت می‌کند.»

(٤) برترین - خوب

(٣) خوبی - بهترین

(٢) بهترین - نیکی

(١) برترین - خوب

٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

«قيمة ها گوناگون است، زیرا آنها بـ أساس جنسـها متفاوتـانـد.»

(١) السعر مختلف لأنـه على أساس النوعـات اختلافـا!

(٣) إنـ السـعر مختلفـ حـسبـ اختـلافـ النوعـيةـ!

\* إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة:

في يوم الخميس عزمنا أن نسافر إلى طهران فذهبنا إلى سوق كرمان حتى نشتري ملابس للهديه و نقدمها أسرتنا. عندما وصلنا إلى السوق قلت

لأختي: أنتِ إجليسي هنا وأنا أدخل المتجر و أشتري كلّ ما تريدين فدخلتُ و سلّمت على البائع و سألتَ:

- كم سعر هذا القميص؟

- أريد أفضل من هذا.

- موجود و لكن سعره تسعون ألف تومان.

- لا بأس، هل يمكن أن تعطيـنى؟

- نعم، بالتأكيد و لهذه الملابس تخفيض أيضاً.

- رجاءً، أعطـنى سـروالـا منـ هذاـ النوعـ.

- ليس موجوداً، ذلك متجر زميلي و له سراويل مختلفة.

- شـكرـاً لـمسـاعـدـتكـ.

و بعده رجعنا إلى الفندق و حملنا حقيبتنا فركينا الحافلة بعد ساعتين.

٩- عَيْنُ الصَّحِيفَةِ:

- ١) كانت الملابس لهديّة الأسرة الّتى كانت في طهران.  
٢) في اليوم الخامس من الأسبوع ذهبوا إلى السوق.

## ١٠- كم كان سعر القميص؟

- ١) أقل من خمسين ألف تومان.  
٢) أكثر من خمسة و تسعين ألف تومان.

١١- لماذا ذهبوا إلى السوق؟

- ١) لَبَيع بعض الملابس الجديدة.
  - ٢) لَا<sup>نْ</sup>هُم احتاجوا إلى ملابس غالية.

\*\* عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَالتَّحْلِيلِ الصرفي:

- ١٢ - «سافر» :

- ١) فعل مضارع - للمخاطبين - مزيد ثلاثي أصله «س ف ر» / فعل مع فاعله
  - ٢) مضارع - للمتكلّم مع الغير - مزيد ثلاثي (مفعولة) / الجملة فعلية
  - ٣) مضارع - للمتكلّم مع الغير - مضاربه على وزن **تسافرنا** / الجملة فعلية
  - ٤) فعل مضارع - من الأفعال المزيفة وأصله «س ف ر» / الجملة اسمية

١٣ - «المَتْجَر»:

- ١) جمع مكسّر - مذَكُور - اسم المكان / مفعول  
٣) اسم الفاعل من الفعل المزيد - مذَكُور / فاعل

\* عَيْنُ الْمَنَاسِبِ لِلْجَوابِ:

- (٣) اسم - مفرد مذكر - اسم المكان / مفعول  
(٤) اسم - مفرد مذكر - اسم الزمان / مضارف إليه

## ١٥- عَيْنٌ مَا فِيهِ جَمْعُ مَكْسٍُّ:

- ١) بعض الناس يستمدون إلى الشعر العربي.  
٢) هذا الرجل من أكابر العلماء في المدينة.

١٦- عَنْ، مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ :

- ١) إن التواضع يؤثر في أنفس الجهلاء.  
 ٢) التناهي في أمور الناس من الأعمالة الظاهرة

جی رہنمائی

- ١) هؤلاء العمال يشتغلون في بئر خارج المدينة.

١) اسرينا بتصانع مرعوبه من سو

- عين «احسن» اسم التفعيل:

### ٣) احسن الرجل إلى من اساء

- عَيْنٌ مَا لِيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ:

### ٣) الحكمة تعمّر في قلب المتواضع

- عَيْنٌ مَا فِيهِ الْجُمْلَةِ الْأَسْمَيَّةِ:  
١) لَا تَصْرُّخْ خَدْكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحَأً.